

ویراست دوم

# سرگذشت فلسفه

براین مگی



ترجمه حسن کامشاد

ویراسته هومن پناهنده





# فهرست

## پیشگفتار

دعوت به فلسفه ۶

## یونانیان و جهانشان

پیش از سقراط ۱۲

سقراط ۲۰

افلاطون ۲۴

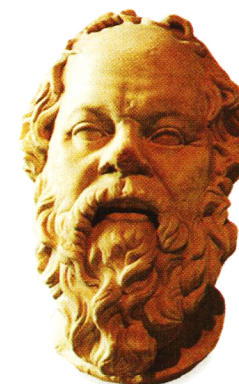
ارسطو ۳۲

کلیان ۴۰

شکاگان ۴۲

اپیکوریان ۴۴

رواقیان ۴۶



سقراط (حدود ۴۷۰ - ۳۹۹ پیش از میلاد)

## مسیحیت و فلسفه

قدیس اوگوستینوس ۵۰

فلسفه قرون وسطا ۵۴



قدیس اوگوستینوس (۳۵۴ - ۴۳۰)

## آغاز علم نوین

از کوپرنیک تا نیوتن ۶۴

ماکیاولی ۷۲

فرانسیس بیکن ۷۴

هابز ۷۸



مدل منظومه خورشیدی (۱۷۱۲)

## خردگرایان بزرگ

دکارت ۸۴

اسپینوزا ۹۰

لایبنیتس ۹۶



رنه دکارت (۱۵۹۶ - ۱۶۵۰)

## تجربه‌گرایان بزرگ

لاک ۱۰۲

بارکلی ۱۱۰

هیوم ۱۱۲

برک ۱۱۸



جان لاک (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴)

## اندیشمندان انقلابی

فرانسه

ولتر ۱۱۲

دیدرو ۱۲۴

روسو ۱۲۶



اشراف و روحانیون، باری بر دوش دهقانان (انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ - ۱۷۹۹)

## سده زرین فلسفه آلمان

کانت ۱۳۲

شوپنهاور ۱۳۸

مقایسه شرق و غرب ۱۴۶

فیخته ۱۵۴

شلینگ ۱۵۶

هگل ۱۵۸

مارکس ۱۶۴

نیچه ۱۷۲

## دموکراسی و فلسفه

فایده‌گرایان ۱۸۲

عمل‌گرایان امریکایی ۱۸۶



جان استوارت میل (۱۸۰۶ - ۱۸۷۳)

## فلسفه قرن بیستم

فرگه و منطق جدید ۱۹۴

راسل و فلسفه تحلیلی ۱۹۶

ویتگنشتاین و فلسفه زبانی ۲۰۲



جان راسل سارتر (۱۹۰۵ - ۱۹۸۰)

اگزیستانسیالیسم ۲۰۸

برگسون و فلسفه اخیر فرانسه ۲۱۴

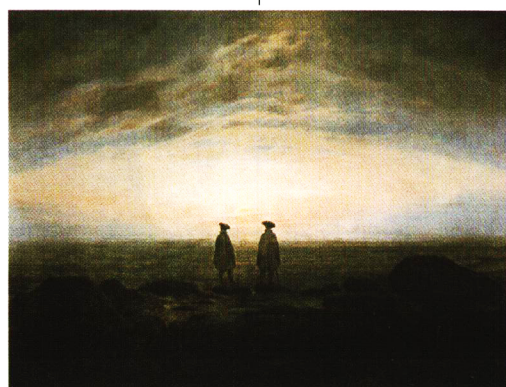
پوپر ۲۲۰

آینده فلسفه ۲۲۶

واژه‌نامه ۲۲۸

راهنمای کتاب‌های خواندنی ۲۳۱

نمایه ۲۳۴



کاسپار داویت فریدریش: دو مرد کنار دریا به تماشای برآمدن ماه (حدود ۱۸۱۷)



# دعوت به فلسفه

## تردید در مبادی بدیهی

زندگی روزانه اغلب ما پُر از چیزهایی است که مشغله‌های عادی ما را می‌سازند. ولی گاه و بی‌گاه مکث می‌کنیم و از خود می‌پرسیم جریان چیست. و در آن حال، چه بسا، پرسش‌هایی بنیادی به ذهنمان می‌آید، پرسش‌هایی که در شرایط عادی به آنها نمی‌اندیشیم.

در مورد هر جنبه‌ای از زندگی ما ممکن است این اتفاق بیفتد.

برای نمونه، در سیاست پیوسته دربارهٔ مقولاتی چون «آزادی»،

«برابری»، «عدالت اجتماعی» و جز اینها

حرف‌هایی بین آدم‌ها رد و بدل

می‌شود. اما گاهی کسی پیدا

می‌شود و می‌پرسد: «حُب، ولی واقعاً مقصود ما از آزادی چیست؟ و همچنین از برابری چه منظوری داریم؟» این قبیل پرسش‌ها چه بسا برای آدم مایهٔ دردسر شود. کسی ممکن است بگوید: «آزادی و برابری که با هم وفق نمی‌دهد. اگر هرکس آزاد باشد هرطور که می‌خواهد زندگی کند، آیا به‌طور حتم نتیجه این نخواهد شد که

آدم‌ها در وضعیت‌های متفاوت و نابرابر به سر برند؟

و آیا جلوگیری از این وضع جز با مداخلهٔ دولت،

ممکن است؟ و اگر چنین است، پس درست نیست

که بگوییم ما طرفدار آزادی و برابری هستیم و به

همین حد بسنده کنیم.» هرگاه حرف‌هایی از این

قبیل به‌میان آمد، تفکر فلسفی آغاز شده است. در

نمونهٔ بالا گوینده به سراغ فلسفهٔ سیاسی رفته است.

و می‌توان هر رشته از فعالیت‌های بشری را به همین شیوه

مورد پرس‌وجوی اساسی قرار داد – به سخن دیگر هر چیز

فلسفه‌ای دارد. حقوقدانان، پیوسته از جرم و بی‌گناهی،

عدالت، محاکمهٔ عادلانه و غیره سخن به میان می‌آورند. ولی

اگر یکی از آنها بگوید: «مقصود ما از عدالت آیا همان چیزی

است که سیاستمداران به آن عدالت اجتماعی می‌گویند،

یا این‌که ما داریم از چیز دیگری صحبت می‌کنیم؟»،

باری در این صورت گوینده به فلسفهٔ حقوق رو آورده

است. پزشکی که از خود می‌پرسد: «آیا چیزی به‌نام

تندرستی کامل وجود دارد – و اگر ندارد، پس منظور از



اوگوست رودن

مرد متفکر (۱۸۸۰)

برهنگی مجسمه معروف رودن،

مرد تنه‌ای متفکر غرق

اندیشه. حکایت از آن دارد

که انسان، حیوانی است

اندیشمند و خودآگاه و

این چیزی است ویژه

وضعیت انسان.



رمرانت: دو فیلسوف (۱۶۲۸)

گفت‌وگو، بحث و مناظره، لازمهٔ فلسفه است، چرا که هر گفته باید انتقادپذیر و تردیدپذیر باشد. پس می‌توان گفت فلسفیدن دو طرف می‌خواهد، و فلسفه جست‌وجویی است مشترک برای دریافت حقیقت.

علم داریم و فلسفهٔ دین، فلسفهٔ هنر و همین‌طور تا آخر. بهترین

کارورزان هر رشته، تقریباً همیشه دلبستهٔ فلسفهٔ آن رشته‌اند. باید

دانست که وقتی فیلسوف می‌پرسد: «آزادی چیست؟» صرفاً طالب

تعریف این واژه نیست. اگر فقط این را می‌خواست، می‌توانست در

لغت‌نامه به دنبال آن بگردد. پرسش او از این فراتر می‌رود. وی در

پی درک بالنسبه ژرف‌تری از این مفهوم است، همچنین می‌خواهد

بفهمد که در فکر و در زندگی ما مفهوم آزادی چه کارکردی دارد، و

نیز سایر راه‌های به‌کار بستن این مفهوم، و خطرات احتمالی استفاده

توضیح مفاهیم، هرچند جذاب و هوش‌ربا، فقط رویهٔ ظاهری فلسفه

است. فیلسوفان بزرگ بسی از این عمیق‌تر رفته‌اند و اساسی‌ترین

وجوه هستی و زندگی ما را مورد سؤال قرار داده‌اند. آدمیزاد خود

را در جهانی می‌یابد که به ارادهٔ خود به آن نیامده است. صورت

بنیادین و بسیار آشکار این جهان ساختاری است از مکان و زمان –

سه بُعد مکان و یک بُعد زمان – و انبوهی اشیاء مادی گوناگون – از

جمله آدم‌هایی چون خود ما – که در آن جا گرفته‌اند. و فیلسوفان

پرسش‌هایی پیش نهاده‌اند از قبیل: «زمان چیست؟» و «آیا هر چیز

که وجود دارد، از جمله آدمی، شیئی مادی است و بس؟ آیا چیز

غیرمادی می‌تواند وجود واقعی داشته باشد؟ در این صورت، ماهیت

آن وجود چیست؟» منظور فیلسوفان از پیش کشیدن این سؤالات

تنها درک عمیق‌تر مفاهیم نیست. آنها می‌کوشند بلکه به فهم

اساسی هر آنچه وجود دارد، از جمله خود ما، برسند، و می‌کوشند

این کار را بدون توسل به ایمان دینی، یا «چنین‌گفت» فلان مرجع،

انجام دهند. فردفرد آنها چه بسا صاحب ایمان دینی باشند – اکثر

فیلسوفان بزرگ مذهبی بوده‌اند، هرچند که استثنا هم داشته‌اند –

اما فیلسوف خوب در استدلال فلسفی خود به دین توسل نمی‌جوید.

استدلال فلسفی اعتبارنامه‌اش را، به‌صورت عقل و منطق، در خود

دارد: از شما پذیرش عقلی می‌طلبد، نه ایمان یا تسلیم و رضا. فلسفه

درصد است ببیند خرد تا کجا ما را پیش می‌برد.

فلسفه تلاشی است برای فهم عقلی در بنیادی‌ترین شکل آن.

از این‌رو پرسش‌هایی مهم دربارهٔ ماهیت ادراک، و بنابراین دربارهٔ

تحقیق و شناخت، پیش می‌کشد. پاسخ تمامی این پرسش‌ها را

چگونه پیدا کنیم؟ آیا هیچ‌گاه می‌توان به‌راستی چیزی دانست، یعنی

در مورد آن یقین داشت؟ اگر می‌گویید بله، بگویید چه چیز را. و اگر

چیزی می‌دانیم، چگونه می‌توانیم یقین حاصل کنیم که می‌دانیم؛

به‌عبارت دیگر آیا هرگز می‌توانیم بدانیم که می‌دانیم؟ پرسش‌هایی

از این دست در قلب فلسفه قرار دارد. در کنار پرسش‌های مربوط

به جهان پیرامون ما، فیلسوف پرسش‌هایی دربارهٔ ماهیت ادراک

## با اعجاب و شگفتی آغاز می‌شود» افلاطون

بشری، تجربه، و فهم ما هم مطرح می‌کند. به زبان بسیار ساده، در

سیر تطور فلسفه، دو بحث اساسی در کانون آن قرار داشته: اوّل

این‌که «ماهیت هرآنچه هست چیست؟» و دوم «در صورتی که

اصلاً بتوانیم چیزی را بدانیم، چگونه می‌توانیم آن را بدانیم؟»

از آن، و ارتباط آن با دیگر مفاهیم سیاسی کلیدی، مثلاً برابری،

چیست. فیلسوف در تلاش است ذهن خود و ذهن ما را دربارهٔ

موضوعی روشن سازد که تبعات عملی مهمی دارد و درعین‌حال

آکنده از مشکلات است.

## «فلسفه

درمان چیست؟» وارد بحث فلسفهٔ پزشکی شده است.

هر عرصه‌ای از فعالیت، فلسفه‌ای دارد که دربارهٔ مفاهیم، اصول و

روش‌های آن عرصه یا رشته طرح پرسش می‌کند. بدین ترتیب فلسفهٔ